



# Investigating the Conflicts of Rejali Reports on Saleh Ibn Sahl with a Historical Approach

*Ali Kashi<sup>1</sup>*

*Seyyd Mohammad Hadi Gerami<sup>2</sup>*

1.M.A. Student, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran (Corresponding Author).

[kashi@alumSharif.edu](mailto:kashi@alumSharif.edu)

2.Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. [m.h.gerami@ihcs.ac.ir](mailto:m.h.gerami@ihcs.ac.ir)

## Orgina Research

### **Received:**

2022-10-14

### **Accepted:**

2023-02-20

### **Keywords:**

Saleh bin Sahl;  
Exaggeration, the Spectrum of Mufaddal bin Umar;  
Shiite Rijals;  
Jarh and Tadil; Hadith Currents.

**Abstract:** Saleh ibn Sahl, in spite of being trusted by some Islamid scholars, such as Ali ibn Ibrahim Qomi, has been accused of exaggerated ideas by others, such as Ibn al-Ghazairi. Due to the wide disagreement of scholars of the science of Rijals about the degree of trustworthiness of Saleh Ibn Sahl, in this article, with an analytical method and a historical approach using the tools of internal and external criticism, we examine this issue.

In order to reach a proper analysis of these conflicts, we first investigate the rijali reports and hadiths related to Saleh ibn Sahl Hamedani and identify the conflicts between the reports and the analyzes. Then, in three levels of rijal, component and current, we analyze conflicts to get a clear and comprehensive picture of the beliefs and personality of Saleh Ibn Sahl Hamedani and to better understand why conflicts are formed in a general picture.

## بررسی تعارضات گزارش‌های رجالی درباره صالح بن سهل همدانی با رویکرد تاریخی

سید محمد هادی گرامی<sup>۲</sup>

علی کاشی<sup>۱</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
kashi@alumSharif.edu

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران  
m.h.gerami@ihcs.ac.ir

**چکیده:** صالح بن سهل به رغم مورد وثوق قرار گرفتن توسط برخی از علماء و بزرگان اسلام نظیر علی بن ابراهیم قمی، مورد اتهام اندیشه‌های غالیانه توسط برخی دیگر مانند ابن غضائری بوده است. با توجه به اختلاف نظر گسترده علمای علم رجال در مورد میزان ثقیات صالح بن سهل، در این مقاله با روش تحلیلی و رویکرد تاریخی با استفاده از ابزارهای نقد درونی و بیرونی، به بررسی این موضوع می‌پردازیم.

برای رسیدن به تحلیلی مناسب از این تعارضات، ابتدا گزارش‌های رجالی و احادیث مربوط به صالح بن سهل همدانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم و تعارضات میان گزارش‌ها و تحلیل‌ها را شناسایی می‌کنیم. سپس در سه سطح رجالی، مؤلفه‌های و جریانی تعارضات را تحلیل می‌کنیم تا تصویر روشن و جامعی از اعتقادات و شخصیت صالح بن سهل همدانی به دست آوریم و چرایی شکل‌گیری تعارضات را در یک تصویر کلی بهتر بفهمیم.

صص: ۲۷۷-۲۵۹

مقاله: علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۷۶/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۲/۰۱

کلید واژه‌ها:

صالح بن سهل؛

غلو،

طیف مفضل بن

عمر؛

رجال شیعه؛

جرح و تعدیل؛

جریان‌های حدیثی.

## مقدمه

صالح بن سهل همدانی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام بوده است که در همدان زندگی می‌کرده ولی در اصل کوفی بوده است (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص. ۲۲۷؛ برقی، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۷) و چند ده روایت از او باقی‌مانده است. در میان گزارش‌ها و تحلیل‌های رجالی، برخی مانند ابن غضائری وی را به کلی تضعیف کرده و برخی مانند علی ابن ابراهیم‌قمی به کلی او را ثقه دانسته و دیگران در میان آن دو حرکت کرده‌اند (نک: الغضائری، ۱۳۸۰، ص. ۶۹؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۵۹؛ مجلسی، ۱۴۲۰ق، ص. ۹۴؛ حسینی تفرشی، بی‌تا، ص. ۲-۴۰۹؛ مازندرانی، ۱۴۱۶ق، صص. ۴-۱۴؛ خوبی، ۱۳۷۲، ص. ۷۷).

حتی اگر با مبانی رجالی بتوانیم نتیجه‌گیری کلی از وثاقت صالح بن سهل داشته باشیم؛ و با اصول فقهی احکامی از روایات او استخراج کنیم، تعارض‌های تاریخی همچنین تعارض میان تضعیف و توثیق توسط علماء برجسته‌ای چون شیخ طوسی، علامه حلی، علامه مجلسی، علی ابن ابراهیم‌قمی، کشی، برقی، ابن غضائری و دیگران همچنان بی‌پاسخ خواهد ماند.

درباره این تعارض‌ها و جرح و تعدیل‌های صالح بن سهل هیچ پژوهش مستقلی انجام نشده است. کاربست رویکرد تاریخی و جریانی در این پژوهش، آن را بیش‌ازپیش منحصر به فرد خواهد کرد، چراکه به‌طورکلی با رویکرد تاریخی و جریانی، پژوهش‌های اندکی در زمینه تعارض‌های رجالی انجام شده است.

در این مقاله با روش تحلیلی با رویکرد تاریخ‌نگاره<sup>۱</sup> و استفاده از ابزارهای نقد درونی و بیرونی<sup>۲</sup> سعی می‌کنیم با بررسی شواهد تاریخی و تحلیل‌های رجالی، تعارض‌ها را شناسایی کنیم و تحلیل جامعی در سطوح مختلف تاریخی از تعارض‌ها ارائه دهیم تا بتوان تصویر بهتر و جامعی از واقعیت‌های تاریخی و شخصیت صالح بن سهل به‌دست آورد.

## ۱. گزارش‌های رجالی درباره صالح بن سهل

در این مرحله به‌مرور آراء علماء علم رجال درباره صالح بن سهل در تاریخ علم رجال می‌پردازیم تا بتوانیم تعارض‌های این آراء و ریشه‌هایشان را شناسایی کنیم.

<sup>۱</sup>. History of Ideas

<sup>۲</sup>. External Criticism

### ۱-۱. توثیق علی بن ابراهیم قمی

با توجه به اینکه علی بن ابراهیم قمی همه‌ی افرادی که از آن‌ها روایت کرده را ثقه دانسته (سبحانی، ۱۳۶۹، ص. ۳۰۹) و با توجه به ۳ روایت کلیدی که در بخش بعدی (تفسیر آیات قرآن) از علی بن ابراهیم قمی خواهد آمد، می‌توان صالح بن سهل را یکی از این اشخاص دانست که در میان توثیقات عامه او بوده است. بنابراین وی او را توثیق کرده و ثقه دانسته است.

### ۱-۲. نظر ابن غضائری

از نظر ابن غضائری، صالح بن سهل همدانی که اهل کوفه هست، از طیف غلات به‌شمار رفته و دروغ‌گو و ضعیف‌الحديث محسوب شده و از نظر وی روایت‌هایش ارزشی ندارند (الغضائری، ۱۳۸۰، ص. ۶۹).

### ۱-۳. تحلیل علامه حلی

علامه حلی ابتدا روایتی که کشی از او نقل کرده (نک: بخش ۱-۳-۴) را متذکر می‌شود و می‌گوید که او به ربوبیت حضرت صادق معتقد بوده تا جایی که حضرت صادق قسم یاد می‌کند که رب نیست. همچنین به روایتی که شیخ طوسی از صالح بن محمد بن سهل همدانی در کتاب غیبه خود آورده اشاره می‌کند<sup>۱</sup> که صالح بن محمد بن سهل همدانی را تضعیف می‌کند و او را با صالح بن سهل همدانی یکی دانسته است (حلی، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۵۹).

### ۱-۴. نظر علامه مجلسی

علامه مجلسی در کتاب الوجیزة فی الرجال خود، وی را از گمراهان به‌شمار برده است (مجلسی، ۱۴۲۰ق، ص. ۹۴).

۱. فرَوَى عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ الْهَمْدَانِيُّ وَكَانَ يَتَوَلَّى لَهُ فَقَالَ لَهُ جَعْلُكَ فِذَاكَ إِجْعَلْنِي مِنْ عَشْرَةِ آلَافِ دَرَاهِمٍ فِي حِلِّ فَإِنِّي أَنْفَقْتُهَا فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ أَنْتَ فِي حِلٍّ فَلَمَّا خَرَجَ صَالِحٌ مِنْ عِنْدِهِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَدُهُمْ يَبْتُ عَلَى الْأَمْوَالِ [حَقٌّ] آلَ مُحَمَّدٍ وَفَقْرَانِهِمْ وَ مَسَاكِينِهِمْ وَ أُبْنَاءَ سَبِيلِهِمْ فَيَأْخُذُهُ ثُمَّ يَقُولُ إِجْعَلْنِي فِي حِلٍّ أَوْ تَرَاهُ ظَنَّ ابْنِي أَنِّي أَقُولُ لَهُ لَا أَفْعَلُ وَ اللَّهُ لَيَسْأَلَنَّهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنْ ذَلِكَ سُؤلاً حَثِينًا. (طوسی، ۱۴۲۵ق، ص. ۳۵۱؛ مجلسی، ۱۴۲۰ق، ص. ۵۰-۱۰۵).

### ۵-۱. تعریض تفرشی

تفرشی در میان نقل ابن داود از کشی که او را ممدوح معرفی می‌کند و روایتی که کشی در باب ربوبیت از او نقل کرده است، تعارض می‌بیند (حسینی تفرشی، بیتا، صص. ۴۰۹-۲).

### ۶-۱. تحلیل شوشتی

شوشتی پس از برشمردن برخی از روایات صالح بن سهل، آن‌ها را دال بر غالی بودن وی نمی‌داند، بلکه آن‌ها را منافی غالی بودن وی هم می‌داند. همچنین روایت کشی را می‌گوید کشی روایت نکرده بلکه به او این چنین روایت شده است. همچنین بر یکی گرفتن صالح بن محمد سهل با صالح بن سهل و تضعیف وی با روایت الغیبة شیخ طوسی اشکال می‌گیرد که صالح بن سهل از اصحاب امام صادق علیه‌السلام بوده درحالی که صالح بن محمد بن سهل از اصحاب امام جواد بوده است (التستری، ۱۴۱۰ق، صص. ۴۵۹-۵).

### ۷-۱. تحلیل محدث نوری

محدث نوری پس از بیان نظر غضائری به شدت به او اعتراض می‌کند که چگونه هیچ خیری در او نیست، در صورتی که اشخاص برجسته‌ای چون یونس بن عبدالرحمن و حسن بن محبوب و کلینی از او روایت می‌کردند و غالی بودن وی بر آن‌ها پوشیده بوده درحالی که همان روایات نفی‌کننده غلو هم می‌باشند؟! (نوری، ۱۴۰۸ق، صص. ۷۸-۸).

درباره یکسان گرفتن صالح بن محمد بن سهل با صالح بن سهل توسط علامه حلی هم با توجه به اینکه صالح بن محمد بن سهل از اصحاب امام جواد علیه‌السلام بوده انتقاد می‌کند و می‌گوید حتی در صورت همدانی بودن وی، پسر برادر صالح بن سهل خواهد بود (نوری، ۱۴۰۸ق، صص. ۷۹-۸).

محدث نوری درباره مناظره‌ای که درباره ربوبیت امام میان مفضل و قاسم و نجم بن حطیم و صالح بن سهل رخ داده می‌گوید از کجا معلوم که پاسخ امام بر مخالف صالح نبوده و کما اینکه اسم او در انتها هم ذکر نمی‌شود (نوری، ۱۴۰۸ق، صص. ۷۷-۸).

در انتها هم از روایات تفسیری صالح بن سهل در تاویل آیه نور به نیکی یاد می‌کند و آن را نه نشانه غلو بلکه نشانه نزدیکی او به امام برای دریافت چنین معارفی می‌داند (نوری، ۱۴۰۸ق، صص. ۷۹-۸).

## ۸-۱. تحلیل مازندرانی

مازندرانی نیز در منتهی المقال به علامه حلی درباره یکی گرفتن صالح بن محمد بن سهل همدانی با صالح بن سهل اشکال می‌گیرد که صالح بن سهل از اصحاب امام صادق علیه‌السلام است، درحالی که صالح بن محمد بن سهل همدانی از مذمومین و کلاء امام جواد علیه‌السلام بوده است. همچنین در نسبت دادن غلو با استناد به ۱ روایت کشی به قدما اشکال می‌کند، درحالی که آن روایت نشان می‌دهد از آن اعتقاد بازگشته و روایات دیگری که از او در این زمینه وجود دارد خلاف این اعتقاد را اثبات می‌کند (مازندرانی، ۱۴۱۶ق، صص. ۴-۱۴).

## ۹-۱. تحلیل خوبی

از نظر خوبی، ادعاهای ابن غضائری مبنی بر غالی بودن صالح اعتباری ندارد و توثیق علی بن ابراهیم قمی مبنی بر وثاقت صالح را بدون معارض می‌داند. برای غالی نبودن هم استناد به روایتی که کشی از او نقل کرده می‌کند، چراکه دلالت بر بازگشت او از غلو دارد.<sup>۱</sup> و بیانی که علامه حلی در تضعیف صالح آورده را مربوط به شخص دیگری می‌داند چراکه اولاً در ترجمه اشتباه رخ داده و ثانیاً صالح بن محمد بن سهل همدانی از اصحاب امام جواد علیه‌السلام است، در صورتی که صالح بن سهل همدانی از اصحاب امام باقر علیه‌السلام بوده است و نمی‌توان به اتحاد عنوان این دو نفر حکم کرد (خوبی، ۱۳۷۲، صص. ۱۰-۷۸).

## ۱۰-۱. نمای کلی مواضع

به‌طور کلی اگر نظر هر کدام از علماء درباره صالح بن سهل را در یک جدول بخواهیم نشان دهیم؛ جدول (۱) را خواهیم داشت

جدول (۱): نمای کلی مواضع

عالم	موضع
علی بن ابراهیم قمی	مدح
ابن غضائری	جرح

<sup>۱</sup> البته این حدیث برای توثیق همه احادیث وی شاید کافی نباشد (رک: اسفندیاری، ۱۳۷۴، ص. ۲۲۶)؛ هر چند روایات بعدی وی را تحت تأثیر قرار خواهد داد (رک: صفری‌فروشانی، ۱۳۷۵).

علامه حلی	جرح
علامه مجلسی	جرح
تفرشی	میانه
شوشتری	مدح
محدث نوری	مدح
مازندرانی	میانه
خویی	میانه

منبع: یافته‌های تحقیق

در ادامه این اختلاف آراء و ریشه‌های آن را مورد واکاوی قرار می‌دهیم. همان‌طور که در مقدمه گفته شد؛ نگاه رجالی و فقهی قادر به تبیین همه اختلاف‌ها نخواهد بود، بنابراین از نگاهی تاریخی جریانی برای آن کمک خواهیم گرفت.

## ۲. تحلیل محتوایی روایات صالح در کتب حدیثی

قبل از تحلیل تاریخی جریانی تعارضات، مروری بر روایات صالح بن سهل در کتب حدیثی متقدم خواهیم داشت تا به جمع‌بندی روشن‌تری از شخصیت روایی صالح بن سهل و تعارضات مطرح‌شده درباره‌ی وی برسیم.

روایاتی که از او نقل شده است، عمدتاً روایات تفسیری است که آیات را در ارتباط با ائمه علیهم‌السلام تفسیر می‌نماید.<sup>۱</sup> سایر روایات بیشتر مضامین اعتقادی و امام‌شناسانه دارند.

### ۲-۱. تفسیر آیات قرآن

#### ۲-۱-۱. تفسیر آیات سوره نور:

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام در تفسیر قمی که توسط صالح ابن سهل نقل شده، اجزاء آیه نور<sup>۲</sup> مانند «مصباح»، «زجاجه» و «کوکب دری» در ارتباط با ائمه علیهم‌السلام

<sup>۱</sup>. این نوع تفسیر بیشتر به نوع تفسیر باطنی شباهت دارد (نک: گرامی، ۱۳۹۸).

<sup>۲</sup>. «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (النور: ۳۵).

تفسیر شده است.<sup>۱</sup> این مضمون تفسیری با سلسله روایان دیگری از صالح بن سهل نیز وجود دارد.<sup>۲</sup>

همچنین در ادامه آیات سوره نور، در روایتی با سلسله روایان مشابه، اجزای آیه چهارم، مانند «مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ» و «ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ»<sup>۳</sup> در ارتباط با دشمنان ائمه تفسیر شده است.<sup>۴</sup> این مضمون تفسیری هم با سلسله روایان دیگری از صالح بن سهل وجود دارد (نک:

<sup>۱</sup> «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّائِعُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهُ» الْمِشْكَاهُ فَاطِمَةٌ عَلَيْهَا السَّلَامُ «فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ» الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ «فِي رُجَاخَةِ الرَّجَاخَةِ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» كَأَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» يُوقَدُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ وَ عَلَى نَبِيِّنَا وَ آلِهِ السَّلَامِ «لَا شَرِيفَةٌ وَ لَا غُرَبِيَّةٌ» يَعْنِي لَا يَهُودِيَّةٌ وَ لَا نَصْرَانِيَّةٌ «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ مِنْهَا «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ» إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي اللَّهُ لِلْأُمَّةِ مَنْ يَشَاءُ أَنْ يَدْخُلَهُ فِي نُورٍ وَ لَا يَتَّبِعُهُمْ مُخْلِصًا «وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (علی بن ابراهیم قمی، ۱۴۰۴ق، صص. ۲-۱۰۲؛ مجلسی، بیتا، صص. ۴-۱۸؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، صص. ۴-۶۹).

<sup>۲</sup> علی بن محمد و محمد بن الحسن عن سهل بن زیاد عن محمد بن الحسن بن شمعون عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم عن عبد الله بن القاسم عن صالح بن سهل الهمداني قال قال أبو عبد الله عليه السلام: في قول الله تعالى: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهُ» فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ «فِيهَا مِصْبَاحُ» الْحَسَنُ: «الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاخَةٍ» الْحُسَيْنُ «الرُّجَاخَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» فَاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «زَيْتُونَةٌ لَا شَرِيفَةَ وَ لَا غُرَبِيَّةَ» لَا يَهُودِيَّةَ وَ لَا نَصْرَانِيَّةَ: «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ بِهَا: «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ» إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» يَهْدِي اللَّهُ لِلْأُمَّةِ مَنْ يَشَاءُ: «وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ» قُلْتُ «أَوْ كَظُلُمَاتٍ» قَالَ الْأَوَّلُ وَ صَاحِبُهُ: «يَغْشَاهُ مَوْجٌ» الثَّلَاثُ: «مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ» ظُلُمَاتُ الثَّلَاثِي: «بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ» مُعَاوِيَةَ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ فَتَنَ بَنِي أُمَيَّةَ: «إِذَا أُخْرِجَ يَدَهُ» الْمُؤْمِنُ فِي ظُلْمَةٍ فَتَنْتَهُمْ: «لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا» إِمَامًا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: «فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» إِمَامٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ قَالَ فِي قَوْلِهِ: «بَسَعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أُبْيُدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ» أَيْمَةُ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَسَعَى بَيْنَ يَدَيْ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِأَيْمَانِهِمْ حَتَّى يُنْزِلُوهُمْ مَنَازِلَ أَهْلِ الْجَنَّةِ (كَلِينِي، ۱۴۰۷ق، صص. ۱-۱۹۵؛ ر.ك: حَسِينِي اسْتِرْأَادِي، بِيْتَا، صص. ۳۷۵-۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، صص. ۴-۶۷).

<sup>۳</sup> «أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّي» يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أُخْرِجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (نور: ۴۰).

<sup>۴</sup> حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ [جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ] حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّائِعِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ «أَوْ كَظُلُمَاتٍ» فَلَانٌ وَ فَلَانٌ «فِي بَحْرِ لُجِّي» يَغْشَاهُ مَوْجٌ» يَعْنِي نَعْتَلُ [نَعْتَلًا] «مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ» ظُلْمَةٌ وَ زَبِيئٌ «ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ» مُعَاوِيَةَ وَ بَرِيدٌ وَ فَتَنَ بَنِي أُمَيَّةَ «إِذَا أُخْرِجَ يَدَهُ» فِي ظُلْمَةٍ فَتَنْتَهُمْ «لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» يَعْنِي إِمَامًا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ «فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» فَمَا لَهُ مِنْ إِمَامٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَمْسِي بِنُورِهِ (علی بن ابراهیم قمی، ۱۴۰۴ق، صص. ۲-۱۰۶؛ مجلسی، بیتا، صص. ۳۱-۶۰؛

کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۱-۱۹۵؛ حسینی استرآبادی، بی‌تا، ۱-۳۶۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، صص. ۴-۷۹).

## ۲-۱-۲. تفسیر آیه سوره تحریم

علی بن ابراهیم قمی در کتاب تفسیر خود در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام می‌آورد که از صالح بن سهل نقل شده، و عبارت قرآنی «نُورَهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ»<sup>۱</sup> را در ارتباط با ائمه علیهم‌السلام تفسیر می‌نماید.<sup>۲</sup> این مضمون با سلسله روایان متفاوتی از صالح بن سهل نیز روایت شده است (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۱-۱۹۵).

## ۲-۲. پرسش‌های اعتقادی

### ۲-۲-۱. خلقت طینت مؤمن از طینت انبیاء

احمد بن محمد برقی، دو حدیث مشابه را از صالح بن سهل درباره طینت مؤمن نقل می‌کند. در یکی امام در پاسخ به پرسش از خلقت طینت مؤمن، آن را از جنس طینت انبیاء معرفی می‌کند؛<sup>۳</sup> و در دیگری از جنس طینت انبیاء بودن طینت مؤمنین را تأیید می‌کند.<sup>۴</sup>

### ۲-۲-۲. تقدم عهد الست رسول اکرم

در حدیث دیگری که از صالح بن سهل در کافی و بصائر الدرجات نقل شده است، از رسول اکرم (ص) علت تقدمشان نسبت به سایر انبیاء پرسیده می‌شود و ایشان این برتری را از تقدم

۱. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْرِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورَهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ نَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (تحریم: ۸).

۲. «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّائِعُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُمَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «نُورَهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ»، قَالَ أُنْمَةُ الْمُؤْمِنِينَ نُورَهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ حَتَّىٰ يَنْزِلُوا مَنَازِلَهُمْ.» (علی بن ابراهیم قمی، ۱۴۰۴ق، صص. ۲-۳۷۸؛ مجلسی، بی‌تا، صص. ۲۳-۳۰۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، صص. ۵-۲۸۴ و ۴۲۸).

۳. «عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَعَلْتُ فِدَاكَ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ طِينَةَ الْمُؤْمِنِ قَالَ مِنْ طِينَةِ الْأَنْبِيَاءِ فَلَنْ يُنْجَسَ أَبَدًا» (برقی، ۱۴۱۹ق، صص. ۱۳۳-۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۲-۳).

۴. «عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ مِنْ أَهْلِ هَمْدَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُونَ مِنْ طِينَةِ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ نَعَمْ» (برقی، ۱۴۱۹ق، ۱-۱۳۳؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۲-۵).

در پاسخ گفتن به ندای الهی «الست بربکم»<sup>۱</sup> نسبت به سایر انبیاء معرفی می‌کنند.<sup>۲</sup> این حدیث هم با سلسله روایانی متفاوت ولی مضمونی یکسان وجود دارد (نک: صفار، ۱۴۰۴ق، ص. ۸۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲-۱۲).

### ۳-۲-۲. جبر و اختیار

کلینی حدیثی از صالح بن سهل درباره جبر و اختیار آورده است که یونس بن عبدالرحمن که از اصحاب اجماع هم هست در سلسله روایان آن حضور دارد.<sup>۳</sup> مضمون این روایت نیز قابل توجه است، چراکه رویکردی اعتدالی و شیعی نسبت به مقوله جبر و اختیار مبتنی بر «بین الامرین» بودن آن دارد (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۱-۱۵۹).

### ۴-۲-۲. صدق و کذب

شیخ مفید در کتاب الاختصاص حدیثی از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که از صالح بن سهل نقل شده است و در آن دروغ مصلحت‌آمیز به نوعی از صفات راستگویان برشمرده شده است.<sup>۴</sup> در سلسله روایان این حدیث حسن بن محبوب هم دیده می‌شود که او نیز در علم رجال از اصحاب اجماع برشمرده می‌شود (نک: سبحانی، ۱۳۶۹، صص. ۱۶۰-۱۷۰). به این نکته در ادامه بیشتر خواهیم پرداخت.

۱. «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۷۲).

۲. «الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ بَعْضَ قُرَيْشٍ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَيِّ شَيْءٍ سَبَقَتْ الْأَنْبِيَاءُ وَأَنْتَ بَعِثْتَ آخِرَهُمْ وَخَاتَمَهُمْ قَالَ إِيَّيْ كُنْتُ أَوَّلَ مَنْ أَقَرَّ بِرَبِّي وَأَوَّلَ مَنْ أَجَابَ حَيْثُ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ «وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» وَ كُنْتُ أَنَا أَوَّلَ نَبِيٍّ قَالَ بَلَىٰ فَسَبَقْتَهُمْ بِالْإِقْرَارِ بِاللَّهِ» (صفار، ۱۴۰۴ق، ص. ۸۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۱-۴۴۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۲-۱۰).

۳. «عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْجَبْرِ وَالْقَدَرِ فَقَالَ لَا جَبْرَ وَلَا قَدَرَ وَ لَكِنْ مَزَلَةٌ بَيْنَهُمَا فِيهَا الْحَقُّ الَّذِي بَيْنَهُمَا لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا الْعَالِمُ أَوْ مَنْ عَلَّمَهَا إِيَّاهُ الْعَالِمُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۱-۱۵۹؛ فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶ق، صص. ۱-۵۴۴).

۴. «عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ الْهُمْدَانِيِّ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّمَا مُسْلِمٍ سُئِلَ عَنْ مُسْلِمٍ فَصَدَّقَ فَأَدْخَلَ عَلَىٰ ذَلِكَ الْمُسْلِمِ مَصْرَةً كُتِبَ مِنَ الْكَادِبِينَ وَ مَنْ سُئِلَ عَنْ مُسْلِمٍ فَكَذَّبَ فَأَدْخَلَ عَلَىٰ ذَلِكَ الْمُسْلِمِ مَنَفَعَةً كُتِبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ» (مفید، بی‌تا، ص. ۲۲۴؛ نوری، ۱۴۰۸ق، صص. ۹-۹۵؛ مجلسی، ۱۴۲۰ق، صص. ۶۸-۱۱).

### ۲-۳. امام شناسی

#### ۲-۳-۱. دوستی امام

شیخ صدوق در ثواب الاعمال خود روایتی از صالح بن سهل آورده است با این مضمون که هر کس که ائمه علیهم‌السلام را دوست داشته باشد و از دشمنان‌شان بی‌زار باشد عاقبت بخیر خواهد شد و گناهانش بخشیده می‌شود.<sup>۱</sup> غفاری در شرح ترجمه این حدیث می‌نویسد: «هرچند صالح بن سهل همدانی را علمای رجال نکوهش کرده‌اند و پاره‌ای او را جَعَال و کَذَّاب (دروغزن) و غالی شمرده‌اند، لیکن مضمون خبر در بسیاری از اخبار اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده و ثواب دوستی با اولیاء خدا و دشمنی با دشمنان‌شان دو اصل از اصول و یا فروع دین ما است که به‌عنوان تولّی و تبرّی ذکر شده است.» (ابن بابویه، ترجمه غفاری، ۱۳۸۵، ص. ۳۷۹).

#### ۲-۳-۲. ولایت ارواح

حدیثی از امام صادق علیه‌السلام در بصائر الدرجات و کافی از صالح بن سهل نقل شده است که در آن فردی ابراز محبت و تولی به امام علی علیه‌السلام می‌کند. ولی ایشان نمی‌پذیرند و می‌فرمایند که دروغ می‌گویی. در ادامه توضیح می‌دهند که ارواح سال‌ها قبل از ابدان خلق شده‌اند<sup>۲</sup> و ما ارواح دوست‌دارانمان را دیده‌ایم و می‌شناسیم ولی تو را جزء آن‌ها ندیده‌ام.

<sup>۱</sup> «أبي ره قال حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْخَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَحَبَّنَا وَ اتَّعَصَّ عَدُوَّنَا فِي اللَّهِ مِنْ غَيْرِ وَ تَبَرَّاهُ لِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا نَمَّ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ وَ عَلَيْهِ مِنَ الدُّنُوبِ مِثْلُ زَبَدِ الْبَحْرِ غَفَرَهَا اللَّهُ لَهُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۴، ص. ۱۷۰).

<sup>۲</sup> «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ مَعَ أَصْحَابِهِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَنَا وَ اللَّهُ أُحِبُّكَ وَ اتَّوَلَّكَ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَذَّبْتَ قَالَ بَلَى وَ اللَّهُ إِنِّي أُحِبُّكَ وَ اتَّوَلَّكَ فَكَرَّرَ فَلَانَا فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَذَّبْتَ مَا أَنْتَ كَمَا قُلْتَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَبْدَانِ بِالْفِيءِ عَامٌ ثُمَّ عَرَضَ عَلَيْنَا الْمُحِبِّ لَنَا فَوَ اللَّهُ مَا رَأَيْتُ رُوحَكَ فِيْمَنْ عَرَضَ فَأَيْنَ كُنْتَ فَسَكَتَ الرَّجُلُ عِنْدَ ذَلِكَ وَ لَمْ يُرَاجِعْهُ. وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ فِي النَّارِ» (كلینی، ۱۴۰۷، ص. ۱-۴۳۸؛ صفار، ۱۴۰۴، ص. ۸۶).

### ۳-۳-۲. نظر به نور امام

حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام در بصائر الدرجات از صالح بن سهل نقل شده است که چگونگی ارتباط امام با خدا و علم الهی امام در آن وصف شده است. به طوری که میان امام و خدا خط نوری وجود دارد و هرگاه امام بخواهد چیزی را بداند به آن نور نگاه می کند و از آن طریق می فهمد.<sup>۱</sup>

### ۴-۳-۲. نحوه خلقت امام

در حدیث دیگری در بصائر الدرجات که از صالح بن سهل و حسن بن محبوب نقل شده است، نحوه خلقت امام بعد از قبض روح امام قبل وصف می شود.<sup>۲</sup> این فرآیند از قبل از تولد امام و خلقت نطفه آغاز می شود و تا تولد امام و اعطای حکمت، علم، وقار، هیبت و نوری که با آن قادر به دیدن باطن می باشند ادامه پیدا می کند (نک: صفار، ۱۴۰۴ق، ص. ۸۳؛ مجلسی، ۱۴۲۰ق، صص. ۵۷-۳۶۸).

۱. «حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَهُ فَقَالَ إِبْتِدَاءُ مِنْهُ يَصَالِحُ بْنُ سَهْلٍ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الرَّسُولِ رَسُولًا وَ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْإِمَامِ رَسُولًا قَالَ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَاكَ قَالَ جَعَلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْإِمَامِ عُمُودًا مِنْ نُورٍ يَنْظُرُ اللَّهُ بِهِ إِلَى الْإِمَامِ وَ يَنْظُرُ الْإِمَامُ إِذَا أَرَادَ عِلْمَ شَيْءٍ نَظَرَ فِي ذَلِكَ النُّورِ فَعَرَفَهُ» (صفار، ۱۴۰۴ق، ص. ۴۴۰؛ مجلسی، بی تا، صص. ۲۶-۱۳۴).

۲. «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ الْهَمْدَانِيِّ وَ غَيْرِهِ رَوَاهُ عَنْ يُونُسَ بْنِ طَلْبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَمِضَ رُوحَ إِمَامٍ وَ يَخْلُقَ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامًا أَنْزَلَ قَطْرَةً مِنْ مَاءٍ تَحْتَ الْعَرْشِ إِلَى الْأَرْضِ فَيُلْقِيهَا عَلَى تَمْرَةٍ أَوْ عَلَى بَقْلَةٍ فَيَأْكُلُ تِلْكَ التَّمْرَةَ أَوْ تِلْكَ الْبَقْلَةَ الْإِمَامُ الَّذِي يَخْلُقُ اللَّهُ مِنْهُ نُطْفَةَ الْإِمَامِ الَّذِي يَقُومُ مِنْ بَعْدِهِ قَالَ فَيَخْلُقُ اللَّهُ مِنْ تِلْكَ الْقَطْرَةِ نُطْفَةَ فِي الصُّلْبِ ثُمَّ يَصِيرُ إِلَى الرَّجَمِ فَيَمُكَّتْ فِيهَا أَرْبَعِينَ لَيْلَةً فَإِذَا مَضَى لَهُ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً سَمِعَ الصَّوْتِ فَإِذَا مَضَى لَهُ أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٍ كُنِيَ عَلَى عَضِدِهِ الْأَيْمَنِ «وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» فَإِذَا خَرَجَ إِلَى الْأَرْضِ أُوتِيَ الْحِكْمَةَ وَ زِيْنَ بِالْعِلْمِ وَ الْوَقَارَ وَ الْبَسَ الْهَيْبَةَ وَ جُعِلَ لَهُ مِصْبَاحٌ مِنْ نُورٍ يَعْرِفُ بِهِ الضَّمِيرَ وَ يَرَى بِهِ أَعْمَالَ الْعِبَادِ». (صفار، ۱۴۰۴ق، ص. ۸۳؛ مجلسی، بی تا، صص. ۵۷-۳۶۸).

### ۵-۳-۲. ربوبیت امام

شیخ طوسی در اختیار معرفة الرجال درباره صالح بن سهل به ذکر یک روایت از کشی بسنده نموده است. هرچند ادبیات و پیام روایت نفی ربوبیت مطلق برای امام است ولی در این روایت صالح بن سهل به نوعی به اعتقاد پیشین خود به ربوبیت امام اعتراف کرده است.<sup>۱</sup> روایت جالبی در این زمینه از مفضل بن عمر در کافی وجود دارد. در این روایت مفضل بن عمر می‌گوید با قاسم و نجم بن حطیم و صالح بن سهل درباره ربوبیت مناظره می‌کردیم که چون امام نزدیک بود و از ما در تقیه نبود تصمیم به پرسش از خود امام شدیم؛ و امام در این زمینه خطاب به مفضل، قاسم و نجم (نه صالح بن سهل) چنین ربوبیت مطلق را به‌طور جدی و از زبان آیات قرآن نفی می‌کنند.<sup>۲</sup>

روایت دیگری از صالح بن سهل در کافی درباره نوع برخورد امیرالمؤمنین با غلات وجود دارد که در آن یک نفی جدی و برخورد شدید با این عقیده و گروه به تصویر کشیده شده است.<sup>۳</sup>

### ۳. جمع‌بندی تعارضات

با توجه به تحلیل‌های رجالی درباره صالح بن سهل و احادیث نقل‌شده از او، به‌طور کلی می‌توان نقاط قوت و نقاط ضعف شخصیت وی را این‌چنین خلاصه نمود:

۱. «روی عن محمد بن أحمد، عن محمد بن الحسين، عن الحسن بن علی الصیرفی، عن صالح بن سهل، قال، كنت أقول فی أبی عبدالله (ع) بالربوبیة، فدخلت علیه فلما نظر إلی قال یاصالح إنا و الله عبید مخلوقون لنا رب نعبد و إن لم نعبد عذینا» (کشی، ۱۳۴۸، ص. ۳۴۱).

۲. «عنه عن صالح عن محمد بن أوزمة عن ابن سنان عن المفضل بن عمر قال: كنت أنا و القاسم شریکی و نجم بن حطیم و صالح بن سهل بالمدينة فتناظرنا فی الربوبیة قال فقال بعضنا لبعض ما نضعون بهذا نحن بالقراب منه و لیس منا فی تقیة قوموا بنا إلیه قال فقمنا فوالله ما بلغنا الباب إلا و قد خرج علينا بلا جداء و لا رداء قد قام كل شعرة من رأسه منه و هو یقول لا لا یا مفضل و یا قاسم و یا نجم لا لا «بل عباد مكرمون لا یسبؤنه بالقول و هم بأمره یعملون» (کلینی، ۱۴۰۷، ص. ۲۳۱-۸).

۳. «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی عن ابن محبوب عن صالح بن سهل عن كزید بن عن رجل عن أبی عبد الله و أبی جعفر علیه السلام قال: إن امیر المؤمنین علیه السلام لما فرغ من أهل البصرة أتاه سبعون رجلاً منالزط فسألوا علیه و كلموه بلسانهم فردّ علیهم بلسانهم ثم قال لهم إني لست كما قلتم أنا عبد الله مخلوق فأبوا علیه و قالوا أنت هو فقال لهم لئن لم تنتهوا و تزجعوا عما قلتم فی و تثنوا إلى الله عز و جل لأقتلنكم فأبوا أن یزجعوا و یتوبوا فأمر أن تحفر لهم آبار فحفرت ثم حرق بعضها إلى بعض ثم قدفهم فیها ثم حمر رؤوسها ثم ألهمت النار فی بئر منها لیس فیها أحد منهم فدخل الدخان علیهم فیها فماتوا» (کلینی، ۱۴۰۷، ص. ۲۵۹-۷).

### ۳-۱. نقاط قوت

۱. شاید بتوان مهم‌ترین نقطه قوت وی را نقل مکرر حسن بن محبوب<sup>۱</sup> و یونس بن عبدالرحمن<sup>۲</sup> که از اصحاب اجماع و مورد قبول اکثر علما هستند (نک: سبحانی، ۱۳۶۹، صص. ۱۶۰-۱۷۰) دانست.
۲. نقطه قوت دیگر وی نقل اشخاصی چون علی بن ابراهیم قمی، صفار، کلینی، برقی و کشی از وی در کتاب‌هایشان هست. در صورتی که اگر شخص ضعیفی (آن طور که ابن غضائری گفته) بود، قطعاً چنین کاری نمی‌کردند.
۳. نقطه قوت دیگر وجود احادیث معتدلی مانند حدیث جبر و اختیار (کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۱-۱۵۹) است که وی را به اندیشه امامیه نزدیک می‌کند.
۴. نقطه قوت دیگر وجود احادیث و مواضعی منافی اندیشه‌های غالبانه است که اتهام غالی بودن وی را منتفی می‌کند (نک: بخش ۱-۳-۴).

### ۳-۲. نقاط ضعف

۱. مهم‌ترین نقطه ضعفی که علمای رجال روی آن دست گذاشته بودند حدیث کشی درباره اعتقاد وی به ربوبیت امام بود.
۲. نقطه ضعف دیگر وی مضامین برخی روایات است که با عقل مادی قابل فهم نیست (مانند حدیث نظر به نور امام، ولایت ارواح، عهد الست و طینت مؤمن) و ممکن است حمل بر غلو شوند. حتی تفسیر وی از سوره نور به رغم تحسین محدث نوری (نوری، ۱۴۰۸ق، صص. ۸-۷۹) متهم به غلو شده است (نک: میرصادقی، فقهی‌زاده و صراف، ۱۳۹۱).
۳. نقطه ضعف دیگر متهم شدن به غلو توسط برخی چون ابن غضائری و تضعیف شدن توسط برخی چون علامه حلی و علامه مجلسی بود.

۱. از جمله: روایت طینت مؤمن (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۲-۵)، روایت تقدم عهد الست رسول اکرم (نک: صفار، ۱۴۰۴ق، صص. ۸۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۴۴۱-۴۴۱)، روایت صدق و کذب (مفید، بینا، صص. ۲۲۴؛ نوری، ۱۴۰۸ق، صص. ۹-۹۵؛ مجلسی، ۱۴۲۰ق، صص. ۶۸-۱۱)، روایت دوستی امام (نک: ابن بابویه، ۱۳۶۴، صص. ۱۷۰)، روایت ولایت ارواح (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۴۳۸/۱؛ صفار، ۱۴۰۴ق، صص. ۸۶)، روایت نحوه خلقت امام (نک: صفار، ۱۴۰۴ق، صص. ۸۳؛ مجلسی، ۱۴۲۰ق، صص. ۵۷-۳۶۸) و روایت ربوبیت امام (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۷-۲۵۹).

۲. حدیث جبر و اختیار (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، صص. ۱-۱۵۹).

۴. نقطه ضعف دیگر روایتی در ذم صالح بن محمد بن سهل در کتاب الغیبة شیخ طوسی بود که علامه حلی آن را بر صالح بن سهل تطبیق نموده بود.

#### ۴. تحلیل تاریخی - جریان‌شناختی گزارش‌های رجالی درباره تعارضات

تعارضات موجود را می‌توان در سه سطح رجال، مؤلفه و جریان مورد بررسی قرار داد (نک: گرامی، ۱۳۹۶-ب، صص. ۱۲۷-۱۳۰). در سطح رجال به تحلیل‌های مرسوم رجالی می‌پردازیم. در سطح مؤلفه به تحلیل‌های گفتمانی در سطح مؤلفه‌های اعتقادی می‌پردازیم. و در سطح جریان، به جریان‌های گفتمانی اجتماعی - تاریخی توجه می‌کنیم.

#### ۴-۱. در سطح رجال

از نظر رجالی برخی از تعارضاتی که میان نقاط قوت و ضعف صالح بن سهل وجود دارد را می‌توان برطرف کرد:

- ۱- در مورد تطبیق صالح بن محمد بن سهل بر صالح بن سهل توسط علامه حلی می‌توان مانند شوشتری، نوری و خویی به ناهم‌زمان بودن صالح بن محمد بن سهل با صالح بن سهل اشکال کرد و این تعارض را برطرف نمود.
- ۲- در مورد روایت کشی و اتهام غلو (اعتقاد به ربوبیت امام) می‌توان مانند شوشتری به سند روایت اشکال و به‌نوعی صورت مسأله را پاک نمود.
- ۳- در مورد مناظره‌ای که درباره‌ی ربوبیت امام میان مفضل و قاسم و نجم بن حطیم و صالح بن سهل اتفاق افتاد هم می‌توان مانند محدث نوری در مخاطب قرار گرفتن صالح بن سهل تردید کرد.

#### ۴-۲. در سطح مؤلفه

در سطح مؤلفه می‌توان درباره اعتقاد صالح بن سهل به ربوبیت امام با توجه به نقل روایت اصحاب اجماع بعد از او که به معنای عاقبت‌به‌خیری او می‌تواند باشد گفت: ممکن است از دوره‌ای صالح بن سهل اعتقاد به ربوبیت مطلق امام پیدا کرده باشد ولی با هدایت‌های امام صادق علیه‌السلام از این اعتقاد برگشت داشته و حتی در برهه‌ای دست به هدایت یاران نزدیک امام در این زمینه هم زده است (رک: بخش ۱-۳-۵).

علاوه بر این، یک روایت که ممکن است با تأکید خاصی، هم نقل به معنا، هم تقطیع شده باشد؛ نمی‌تواند جواز فساد و گمراهی صالح بن سهل را صادر کند. حتی ممکن است فضای

گفتمانی خاصی میان او و امام حاکم بوده باشد، به طوری که حدیث با این الفاظ هم هیچ گونه بار منفی به همراه نداشته باشد.

### ۳-۴. در سطح جریان

به رغم تحلیل های رجالی و حتی مؤلفه‌ای، اما هنوز معلوم نیست چرا کشی به چنین اتهامی توجه کرده است؟ چرا چنین اتهاماتی نسبت به او در طول تاریخ شکل گرفته است؟ چرا حسن بن محبوب و یونس بن عبدالرحمن به چنین اتهاماتی توجه نکرده‌اند؟ تعارض های موجود را با یک نگاه جریان‌ی راحت تر و بی تکلف تر می توان تحلیل و برای پرسش های بی پاسخ، پاسخ ارائه نمود.

از نظر جریان‌ی صالح بن سهل را در طیف مفضل بن عمر شناسایی کرده‌اند (نک: گرامی، ۱۳۹۶-الف، ص. ۲۶۴؛ گرامی، ۱۳۹۰).

برای تحلیل در سطح جریان باید از طرفی به جریان صالح بن سهل و حلقه مفضل بن عمر توجه کنیم. از طرفی به جریان غلات و انگیزه‌ها و رویکردهای روایی آن‌ها باید توجه داشت؛ و از طرفی به جریان کلی تشیع نسبت به عامه باید توجه کرد. از این زاویه دید با توجه به جریان‌های فکری موافقان و مخالفان صالح بن سهل بهتر می توان تعارضات را شناسایی، ریشه‌یابی و تحلیل کرد.

با توجه به وابستگی صالح بن سهل به طیف مفضل ابن عمر و سابقه این گونه اتهامات نسبت به مفضل، اتهام غلو به صالح بن سهل امری طبیعی خواهد بود. چراکه از طرفی درک درستی از روایات امامان توسط عامه وجود نداشت و یک تلقی غالیانه از اندیشه‌های شیعی به خصوص طیف مفضل در جامعه وجود داشت. از طرفی تعامل غلاة با طیف مفضل به چنین اندیشه‌ای دامن می‌زد (نک: گرامی، ۱۳۹۱).

رقابت و حتی تقابل میان جریان‌ها از جمله جریان مفضل و جریان غلات طرد شده از سمت امام، بستر تبلیغات سوء بر علیه صالح بن سهل را فراهم می‌کند. حتی انگیزه برای جعل احادیث غالیانه برای حسادت و یا انتقام‌جویی از طرد امام و تخریب یاران نزدیک ایشان وجود داشته است. (نک: گرامی، ۱۳۹۱).

## نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد ابتدا با مروری بر روایت‌های صالح بن سهل و گزارش‌های تاریخی از او، تصویری کلی از اندیشه‌ها و شخصیت وی که ابهاماتی هم دارد و همچنین آراء متضاد و متعارض علمای رجال شیعه در طول تاریخ تشیع، نمایش داده شود. سپس تعارض‌ها شناسایی و در نهایت تحلیل جامعی از تعارض‌های تاریخی در سطوح مختلف ارائه گردد. به‌طور کلی با توجه به شواهدی از جمله: مورد تأیید قرار گرفتن صالح بن سهل توسط یاران برجسته ائمه علیهم‌السلام چون حسن بن محبوب و یونس بن عبدالرحمن؛ استناد علمای برجسته متقدم مانند احمد بن محمد برقی، علی بن ابرهیم قمی و محمد بن یعقوب کلینی به وی؛ وجود مضامین معتدل و شیعی در روایات وی؛ و تأیید صالح بن سهل توسط علمای برجسته متأخر چون شوشتری، محدث نوری و خویی؛ می‌توان او را فردی قابل اعتماد از یاران امام صادق علیه‌السلام دانست.

اما تعارض‌هایی تاریخی هم درباره وی وجود دارد. از جمله: روایتی که کشی درباره اعتقاد وی به ربوبیت امام از وی نقل کرده است؛ اتهام غلو به او توسط برخی چون ابن غضائری؛ و تزیف او توسط علمایی چون علامه حلی و علامه مجلسی.

این تعارض‌ها را می‌توان در ۳ سطح رجالی، مؤلفه‌ای و به‌خصوص جریانی تحلیل نمود:

- تطبیق صالح بن محمد بن سهل با صالح بن سهل (توسط علامه حلی) با توجه به هم‌زمان نبودن آن‌ها اشکال دارد.
- ممکن است در دوره‌ای صالح اعتقاد به ربوبیت مطلق امام پیدا کرده باشد، ولی با هدایت‌های امام صادق علیه‌السلام از این اعتقاد برگشت داشته است.
- شرایط کلی شیعه در زمان امام صادق علیه‌السلام اقتضای اتهام به غلو داشته است.
- تعلق صالح بن سهل به طیف مفضل اقتضای اتهام به غلو (با شدت بیشتر) داشته است.
- وابستگی صالح بن سهل به طیف مفضل اقتضای جعل حدیث غالیانه برای تخریب وی هم داشته است.

## منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۶۴). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*. قم: الشریف الرضی.
۲. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۸۵). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال* (محمدرضا انصاری محلاتی، مترجم). قم: نسیم کوثر.
۳. اسفندیاری، اسکندر (۱۳۷۴). *پژوهشی درباره طوایف غلاة تا پایان غیبت صغرا و موضع ائمه(ع) در این باب*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴. الغضائری، أحمد بن الحسین (۱۳۸۰). *رجال ابن الغضائری*. قم: دار الحدیث للطباعة والنشر.
۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر.
۶. التستری، الشیخ محمد تقی (۱۴۱۰ق). *قاموس الرجال*. قم: جماعة المدرسین، مؤسسه النشر الإسلامی.
۷. برقی، احمد بن محمد (بیتا). *المحاسن*. قم: دار الکتب الاسلامیة.
۸. برقی، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق). *الرجال*. تهران: القیوم.
۹. حسینی استرآبادی، سیدشرف‌الدین (بیتا). *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۰. حسینی تفرشی، سیدمصطفی (بیتا). *نقد الرجال*. قم: موسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.
۱۱. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق). *خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال*. قم: مؤسسه نشر الفقاهة.
۱۲. خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*. قم: ثقافة الاسلامیة فی العالم.
۱۳. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۶۹). *کلیات فی علم الرجال*. قم: مرکز مدیریت حوزة علمیه قم.

۱۴. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۷۵). «جریان شناسی غلو»، فصل‌نامه علوم حدیث، (۲)۱.
۱۵. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی (ره).
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق). *رجال الطوسی*. قم: جماعة المدرسین، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *الغیبه*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۱۸. علی بن ابراهیم قمی (۱۴۰۴ق). *تفسیر قمی*. قم: دارالکتاب.
۱۹. فیض‌کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۶ق). *الوافی*. اصفهان: مکتبه الامام امیر المومنین علی (ع).
۲۰. کاشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸). *إختیار معرفة الرجال* (محمد بن حسن طوسی، تلخیص). مشهد: مرکز تحقیقات و مطالعات دانشگاه مشهد.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی* (علی‌اکبر غفاری، به کوشش). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۲. گرامی، سیدمحمدهادی (۱۳۹۶-الف). *نخستین اندیشه‌های شیعه*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۲۳. گرامی، سیدمحمدهادی (۱۳۹۶-ب). *مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای*. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۲۴. گرامی، سیدمحمدهادی (۱۳۹۱). *تطور گفتمان تفویض در سده دوم هجری و طیف مفضل بن عمر*. فصلنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۸(۱۵)، ۲۷-۵۷.
۲۵. گرامی، سیدمحمدهادی (۱۳۹۸). «گرایش‌های تفسیری شیعه در عصر امام باقر (ع): پیجویی دو گفتمان «ظاهر/باطن» و «تنزیل/تأویل»، فصلنامه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۳، شماره ۱.
۲۶. مازندرانی، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ق). *منتهی المقال فی أحوال الرجال*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)*. بیروت: دار الاحیاء تراث العربی.

۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۰ق). *الوجيزة في الرجال*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۹. مفید، محمد بن محمد (بی‌تا). *الإختصاص*. قم: جماعة المدرسين، مؤسسة النشر الإسلامي.

۳۰. میرصادقی، سیدمحمدحسین؛ فقهی‌زاده، عبدالهادی؛ و صراف، حمیدرضا (۱۳۹۱).

درآمدی بر نقش غالیان در علوم قرآنی و تفسیر در حوزه عدم تحریف و تأویل آیات

قرآن. فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، ۶(۱۱)، ۱۳۵-۱۵۸.

۳۱. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت:

موسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.